

شرق روزنامه

روی آنتن

به روز خوب می‌آد



فرزانه ابراهیم‌زاده

به روز خوبه میایم بی‌بهونه
آروم آروم که خنده جا نمونه
به حرف‌هایی داریم شنیدنیه
به حسایی داریم نگفتنیه

این تکه از آواز معروف دو و دو و دو که بیشتر شب‌ها در خندوانه ازسوی تماشاگران خوانده می‌شود، شاید به اندازه هزاران لغت می‌تواند راز موفقیت این برنامه را نشان دهد. برنامه‌ای که شادبودن را در دوران عبوسی که در آن زندگی می‌کنیم، در پیش گرفته است و حرف‌هایی که در بیشتر برنامه‌های تلویزیونی ناگفته و ناشنیده مانده را می‌گوید. در حقیقت خندوانه همان‌طورکه روی لبه تیغ رسانه پر خط قرمز تلویزیون است، راهی پیدا می‌کند تا لیخند بیشتری را حتی بدون دلیل بر لب‌های مخاطبانش بیاورد. روی این نکته توافق کنیم که خندوانه یک جنگ سرگرم‌کننده است و بس. مجموعه‌ای که تنها هدفش پرکردن اوقات پایان شب مخاطبانی است که آن را دنبال می‌کنند که خسته از استرس‌ها و کارهای روزانه قصد دارند وقتی را پای تلویزیون صرف کنند. پس با چنین تعریفی است که سازندگان آن شادشدن و خنداندن مخاطبانشان را برنامه‌ریزی کرده‌اند؛ در یک کلام خنداندن مهم‌ترین هدف برنامه خندوانه است. اینکه مرز سرگرم‌کنندگی و لودگی کجاست و چقدر خندوانه این مرز را رعایت کرده است، نکته‌ای است که منتقدان تلویزیونی و رسانه‌ای باید به آن پاسخ بدهند.

به عنوان یکی از دنبال‌کنندگان خندوانه در یک سال گذشته، در این مجال کوتاه نگاهی به بعضی از نقاط مثبت و منفی این برنامه خواهم داشت. برنامه‌ای که در دو سال و یک ماه توانسته مخاطبان ثابتی را به خود جلب کند و البته به عنوان یک برند رسانه‌ای در میان مردم موردتوجه قرار بگیرد. اینکه یک برنامه تلویزیونی در شبکه‌ای ناشناس و تازه‌تأسیس توانسته حجم مخاطبان آن را به‌قدری بالا ببرد که شبکه‌های دیگر و حتی همین شبکه به ساخت برنامه‌هایی شبیه به آن دست برند را نمی‌توان انکار کرد و نشان از موفقیت گروه سازنده آن است. تهمت‌ها و فضاسازی‌هایی که علیه رامید جسون و برنامه‌اش بود، باعث نشد خندوانه برای ادامه راه دست به تغییرات زیادی بزند و راه خود را تغییر نداد.



خندوانه از ساعت ۱۱ شب ۲۱ خرداد ۱۳۹۳ در شبکه تازه‌تأسیس آن روزهای نسیم کار خود را با اجرا و همراهی رامید جوان آغاز کرد. حضور رامید جوان که تا آن زمان بیشتر به عنوان بازیگر و البته کارگردان فیلم‌های طنز شناخته شده بود، در این برنامه و نام خندوانه کافی بود که معلوم شود این برنامه‌ای شاد و مفرح به سبک خود جوان است که در طنز هم شیوه خاصی را دنبال می‌کند. او از همان ابتدا هم، این نکته را به مخاطبان و منتقدان خود در میان گذاشت که سال هاست به دنبال راه‌اندازی چنین برنامه‌ای است.

او در جایی گفته بود که ۱۳ سال زمان برد تا توانست خندوانه را راه‌اندازی کند. کمبود بودجه و نبود حمایت شاید مهم‌ترین دلایل به‌تعویق افتادن این برنامه بود. این برنامه اما کار خاصی برای جذب مخاطب نداشت. شبیه بسیاری از برنامه‌های ترکیبی با حضور تماشاگرانی عادی در کنار میهمانان سرشناس و شناخته‌شده و گفت‌وگوهایی بسیار ساده و بدون برنامه رامید جوان آغاز شد. گفت‌وگوهایی که هنوز هم بعد از گذشت دوسال به نظر می‌رسد همان‌طور ابتدایی و بدون هیچ پلان خاصی برگزار می‌شود و هیچ سؤالی قبل از آغاز آن طراحی نمی‌شود. روشی که البته بیشتر از آن‌که به ضرر برنامه است، به نفع برنامه بوده و توانسته بر لب جدی‌ترین میهمانان برنامه هم لبخندی بیاورد. میهمانانی که شاید بسیاری از آنها بخشی از وجودشان را در مقابل مخاطب قرار می‌دهند که تاکنون کمتر دیده شده است.

تکراری است که بگویم اضافه‌شدن کاراکتری چون جناب‌خان تهران- مبارک ادامه داد: نباید تمام زحمات گروه‌های تئاتر عروسکی به دواجر در جشنواره منحصر شود بلکه باید برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدتی داشته باشیم تا خروجی جشنواره تئاتر عروسکی در طول سال روی صحنه برسد و تماشاگران علاقه‌مند امکان تماشای این آثار را پیدا کنند. بزنده. خندوانه خواستار همراهی مدیران فرهنگی با برگزارکنندگان جشنواره تئاتر عروسکی شد. بزوده که در این دوره از جشنواره تئاتر عروسکی نمایش «کوزه عسل نیست» را اجرا می‌کنند، در پایان نمایش‌شان کرد: امیدوارم کارم فقط دواجر در جشنواره نداشته باشد و از همین حالا اعلام می‌کنم گروه ما آمادگی اجرای این نمایش در تمام استان‌ها را دارد و از این موضوع استقبال می‌کنیم.

دریچه

نگاهی به درون

بابک اطمینانی ـ نقاش

۱- ۱۸ سال از عمر انجمن نقاشان ایران می‌گذرد و امروز بیش از هزار نفر عضو دارد. از این تعداد، بعضی افراد دیگر نقاشی نمی‌کنشد، بعضی‌ها نقاشان حرفه‌ای و تأثیرگذارند و بعضی‌ها هرازگاهی دست به قلم می‌برند.

۲- هنرمندانی داریم فعال و خلاق که گالری‌های حرفه‌ای داخلی و خارجی میزبان آثارشان هستند و لازم است قدم‌های بزرگ‌تری برای آنها برداشته شود. درعین‌حال، هنرمندانی داریم فصال و مستعد که دیده نمی‌شوند و لازم است آثارشان دیده شود و کسانی را هم داریم که به خاطر شرایط دشوار، آرزوهایشان کمرنگ‌شده و لازم است برای احیای‌شان قدم برداشته شود.

۳- بدون داشتن آرشیبوی به‌روز و منسجم، انجمن قادر نخواهد بود مکانیسم لازم را برای رشد درونی و وجود آورد. انجمن نمی‌تواند برای کسانی که خبری از آنها ندارد، بسترسازی و برنامه‌ریزی حرفه‌ای کند و به همین دلیل است که اقدام به برگزاری متوالی کارنماهای پژوهشی کرده تا به درون خود بنگرد، آن را منهدم و شرایط و ضوابط اتصال آن را به بیرون فرامه کند.

۴- این کارنماها که در واقع حکم دوسالانه‌های داخلی انجمن را دارند، فرصتی برابر به همه اعضا می‌دهند تا با ارائه حداقل پنج اثر در قالب یک مجموعه و به انتخاب خود، آثار جدید وایرخشان را نمایش دهند. همچنین، برای مجموعه‌داران و گالری‌داران نیز فرصتی فراهم می‌شود تا بتوانند آثار و نقاشان مورد نظر خود را دست‌چین کنند.

۵- اولین دوره این کارنماها که از ۲۳ تا ۲۹ تیر در خانه هنرمندان در حال برگزاری است، به اعضای زیر ۴۰ سال اختصاص دارد. دوره‌های بعد، به ترتیب، به اعضای بین ۴۰ تا ۶۰ سال و سپس به اعضای بالای ۶۰ سال اختصاص می‌یابد.

۶- انجمن ۴۷۳ نفر عضو زیر ۴۰ سال دارد که از همه به طور متوالی و بدون هیچ ترتیب خاصی دعوت خواهد شد. برای شرکت در کارنمای اول ۱۳۲ نفر دعوت شدند، ۸۲ نفر پاسخ دادند و نهایتاً ۶۰ نفر فرم ثبت‌نام را تکمیل و ارسال کردند.

جفا به تماشاگران از دید «عادل بزوده»

عادل بزوده با تأکید بر ضرورت برنامه‌ریزی کلان برای تئاتر عروسکی گفت: نبود جریان روئین در نمایش عروسکی، جفا به مردمی است که امکان پیدا نمی‌کنند در طول سال از این آثار دیدن کنند.این هنرمند باسابقه تئاتر عروسکی که با نمایش «کوزه عسل نیست» در این دوره از جشنواره حضور خواهد داشت، در گفت‌وگو با ستاد خبری شانزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران- مبارک ادامه داد: نباید تمام زحمات گروه‌های تئاتر عروسکی به دواجر در جشنواره منحصر شود بلکه باید برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدتی داشته باشیم تا خروجی جشنواره تئاتر عروسکی در طول سال روی صحنه برسد و تماشاگران علاقه‌مند امکان تماشای این آثار را پیدا کنند. بزنده. خندوانه خواستار همراهی مدیران فرهنگی با برگزارکنندگان جشنواره تئاتر عروسکی شد. بزوده که در این دوره از جشنواره تئاتر عروسکی نمایش «کوزه عسل نیست» را اجرا می‌کنند، در پایان نمایش‌شان کرد: امیدوارم کارم فقط دواجر در جشنواره نداشته باشد و از همین حالا اعلام می‌کنم گروه ما آمادگی اجرای این نمایش در تمام استان‌ها را دارد و از این موضوع استقبال می‌کنیم.



عکس: رونوفه رستنی، شرق

دیگری... فردی که «دورهمی» را می‌بیند، چیزی نصیبش می‌شود و فردی که «خندوانه» می‌بیند از چیز دیگری لذت می‌برد. منظور مفاهیمی است که در هر دو برنامه به آن پرداخته می‌شود. من با شوخ‌طبعی از مسائل پیرامونم صحبت می‌کنم اما مهران نگاه تلخ‌تری از من نسبت به دنیا دارد. اصلا من آدم امیدواری به زندگی و عاشق زندگی هستم، اما به نظرم مهران از دنیا حرص می‌خورد. خاطرم هست چند وقت پیش انتقادی به من شد که به مردم کمک می‌کنم چشمشان را روی بعضی چیزها ببندند. در صورتی که اصلا این‌طور نیست. اگر کمی از ایران فاصله بگیریم و در کشور دیگری زندگی کنیم، نه اینکه توریستی کشور دیگری را ببینیم، در این صورت کاملا متوجه می‌شوید آدم‌ها در آرامش و صلح زندگی می‌کنند. این میزان از التهاب در زندگی ما اصلا خوب نیست. به نظرم باید یاد بگیریم این التهاب را کمتر و میل به زندگی را در خودمان بیشتر کنیم. برگردیم سر رقابتی که شما به آن اشاره کردید و باید بگویم که من در زندگی‌ام به‌هیچ‌وجه با کسی رقابت نکرده‌ام. این رقابت با خودم بوده است. همیشه به حرف‌ام مثل یک اسباب‌بازی یا غذا درست‌کردن یا سفر کردن نگاه کرده‌ام. کاری که از آن لذت می‌برم و فکر می‌کنم هر کدام از پروژه‌هایم، یک تغییر در حرف‌ام ایجاد کرده و این برای من لذت‌بخش است.

✎ غیر از تغییرات مدیریتی که طبعاً تأثیر در رویکرد برنامه «خندوانه» خواهد داشت، از این به بعد شاهد چه تغییراتی در محتوای آن خواهیم بود؟
«خندوانه» از ابتدا یک گرامر داشت. تماشاچییانی که در استودیو حضور دارند، حضور نیما، جناب‌خان، من و میهمان، کم‌دین‌ها و یک‌سری پلی یک جذاب و موسیقی را ابتدا برای این برنامه تعریف شده بود که از الان به بعد هم خواهد بود. واقعیت این است که اضافه‌شدن آیتم‌هایی مثل مسابقه «لباهنگ» یا «خانواده باحال» تجربه‌ای بود که ایده‌هایمان را به اجرا بگذاریم. مثلاً در اجرای «خانواده باحال» به این نتیجه رسیدیم که می‌توان برنامه دیگری با این محوریت ساخت و مثلاً شهری را طراحی کرد که در یکی از محله‌هایش این خانواده‌ها را تعریف کنیم و این برنامه با حضور بازیگران و خانواده‌هایشان تعریف شود. به نظرم نیاز است تجربه کنیم تا موفقیت‌های بیشتری حاصل شود.

✎ سال گذشته مدتی از «خندوانه» فاصله گرفتید و «تگار» را ساختید. امسال باز سرگرم «خندوانه» خواهید بود یا اینکه فیلم‌سازی را هم هم‌زمان انجام می‌دهید؟
فیلم‌سازی کار لذت‌بخشی است. نمی‌توان از آن گذشت، منتظر نهایی‌شدن فیلم «تگار» هستم؛ به محض اینکه نهایی شود و آن را ارائه دهم، کار بعدی را شروع خواهم کرد. همین الان روی فیلم‌نامه فیلم بعدی کار می‌کنیم. واقعیت این است که نمی‌توانم این بخش را کار را نادیده بگیرم؛ با اینکه تلویزیون فوق‌العاده است و میلیون‌ها نفر مخاطب دارد اما جادوی سینما چیز دیگری است. **✎ امیدوارم که از الان به بعد شاهد اتفاقات بهتری در «خندوانه» باشیم. نکته‌ای درباره «خندوانه» هست که بخواهید با مردم در میان بگذارید؟**

در روزهایی این گفت‌وگو انجام می‌شود که عباس کیارستمی عزیز از میان ما رفته است. خبر فوت ناگهانی او تأثیر بدی بر من گذاشت و از این اتفاق بسیار غمگینم. همه ما می‌دانیم آقای کیارستمی در تمام کارهایش به عشق و میل به زندگی اهمیت می‌داد. یک بار درباره موضوعی با من صحبت کرد؛ اینکه با یک کارگردان اسپانیایی آشنا شده است که هم‌دگر را ندیده‌اند و تصمیم گرفته‌اند برای هم به‌صورت تصویری نامه‌نگاری کنند و ارتباطشان از طریق فیلم‌هایی بود که برای هم ارسال می‌کردند. نبوغ و هنر آقای کیارستمی مثال‌زدنی است و متأسفم فردی مثل او را که میل عجیبی به زندگی و خلق کردن داشت، از دست داده‌ایم. بسیاری از ما برای خودمان شرایطی ایجاد می‌کنیم را که مدام در معرض حال بد باشیم؛ در صورتی که مرگ بالاخره یک روز برای همه ما اتفاق می‌افتد، چرا میل ما به آن زیاد است؟ باور کنید جهان جای لذت‌بخشی است. دوست دارم اینجا از عباس کیارستمی عزیز یادای کنم و بگویم که همیشه در لحن و نوع نگاه این مرد بزرگ به زندگی، امیدواری دیده می‌شد و من هم وامدار او هستم و فکر می‌کنم تا زنده هستیم، باید قدر لحظتمان را بدانیم و همه اینها برای من تأکیدی دوباره است که «خندوانه» را بهتر به مخاطب ارائه کنم.

و به این نتیجه رسیدیم که باید ادبیات مفهوم و آموزش برای مخاطب ایجاد کنیم. چیزی که الان اتفاق افتاده این است که اصلاً شکل «خندوانه» عوض شده و به کیفیت مطلوبش که من دوست دارم، رسیده است. درحال‌حاضر ممیزی و فشارهای مضمونی در آن نیست. ما با ماندنمان ثابت کردیم که نه قصد مطرح‌کردن حرف سیاسی و ضدنظام را داریم و نه می‌خواهیم علیه مردم حرف بزنیم. ما دشمن نیستیم، رقیبیم. با همه دوستیم و ثابت‌کردن آن زمان می‌برد. چراکه کافی است برنامه ابعدی پیدا کند که همه مخاطبش شوند. از مذهبی‌های خیلی سختگیر گرفته تا کسانی که برعکس گروه اول فکر می‌کنند، متوجه شدند که می‌توانند «خندوانه» را ببینند.

وقتی وزارت بهداشت اعلام می‌کند از هر چهار نفر یک نفر افسرده استاندارد است، این آمار وحشتناکی است. اینجاست که برنامه‌ای مثل «خندوانه» و امثال آن باید به رسالتشان عمل کنند. در اینجا دیگر موضوع خندیدن مطرح نیست. مهم این است که یادآوری کنیم از خودت مراقبت کن. چیزی شبیه آموزش کمک‌های اولیه است. فرهنگ‌سازی اتفاقی است که در این برنامه به آن قائلیم. موضوع اسپانسر را چون اشاره کردید، اصطلاحاً بارش کردم و می‌توان درباره اتفاقات دیگری که در این مدت مردم به آن نقد داشتند هم صحبت کرد که چرا «خندوانه» به اینجا رسید؛ مثل کمرنگ‌شدن حضور میهمان بازیگر که به‌نوعی دست ما نبود.

✎ اختصاصاً درباره دعوت از میهمانان به شما گفته شد که حق دعوت از میهمان بازیگر ندارید؟

فشارهایی روی ما بود که منجر به محدودیت برنامه می‌شد و دست‌وپیای ما را بسته بود اما خدا را شکر درحال‌حاضر آرامشی بین ما، تلویزیون و مدیریت کنیم و است که حال برنامه را هم در سه هفته گذشته بهتر کرده که تماشاچی هم شاهدش است.

✎ مدت‌هاست مقایسه‌های بین «خندوانه» و «دورهمی» پیش آمده است؛ هرچند که دو گونه متفاوت هستند اما به دلیل تشابهی که هر دو در

سرگرم‌کردن مخاطب دارند، ناگزیر از افت یکی و قوت‌گرفتن دیگری صحبت می‌شود. خودتان تا چه حد به این رقابت قائل هستید؟
هیچ برنامه‌ای رقیب دیگری نیست. فکر کنید مقطعی ما را با برنامه ۹۰ مقایسه می‌کردند؛ ما چه رقابتی می‌توانیم با هم داشته باشیم؟ صرفاً به این دلیل که یکی دیده می‌شود که معنی آن رقابت نیست. تلویزیون به‌عنوان یک رسانه پرمخاطب قطعاً به برنامه‌های جذاب بیشتری نیاز دارد و هر جنس از مخاطبان در هر ساعتی از روز، وقتی به تلویزیون مراجعه می‌کنند، باید یک چیز جذاب و موردپسند خودشان پیدا کنند. برنامه‌های جذاب تلویزیون درحال‌حاضر «دورهمی»، «خندوانه» و «نود» است؛ به نظر شما این برای تلویزیون ما کافی است؟ تصور نمی‌کنم رقابتی بین ما وجود داشته باشد. برای من به‌عنوان یکی از افرادی که در تلویزیون ایران کار می‌کند، این اهمیت دارد که مردم کمر سریال‌های پوچ و بی‌معنی ترک ببینند. بدیهی است وقتی تولیدکنندگان داخلی کار خوب تولید کنند، قطعاً ترجیح مردم تولیدات داخلی است. اتفاق خوشایند در برنامه‌هایی مثل برنامه من و مهران مدیری این است که می‌توانیم با مردم به‌روز صحبت کنیم و ما مردمان را می‌شناسیم؛ با دغدغه‌ها و مشکلاتشان آشناشیم و می‌توانیم درباره آنها حرف بزنیم. آرزوی من این است که ای کاش تعداد بیشتری برنامه سرگرم‌کننده برای مردم ساخته می‌شد. خوشحالم که برنامه مهران مدیری مخاطب زیادی دارد و خوشحالم که مردم «خندوانه» را تماشا می‌کنند.

✎ پس فکر نمی‌کنید این دو برنامه از نظر مردم

می‌توانند با هم مقایسه شوند.
به نظر من «خندوانه» تکلیف روشنی دارد و مخاطب خودش را پیدا کرده است. اصلا من و مهران مدیری خیلی با هم فرق داریم؛ هر دو کم‌دین، کارگردان، بازیگر، تهیه‌کننده و ایده‌پرداز هستیم ولی واقعاً دو آدم مختلف هستیم. تنها نکات مشترک دلیل نمی‌شود که رقیب هم باشیم. مهران جور دیگری دنیا را نگاه می‌کند و من جور دیگری...

هر کاری را که از نظر آقای کرمی و من مناسب است انجام می‌دهم. دربارۀ موضوع مالی هم، قبل از شروع فصل، مبلغی گرفته و در ساخت برنامه خرج می‌شود. اما همیشه از فصل یک تا به حال بیش از برآورد خرج کردیم. اصلاً اخلاقم این است که بابت اینکه پول بگیرم و کاری انجام دهم، همیشه اول محکم سر مواضعم می‌ایستم و پولم را دریافت می‌کنم و قیمت بالایی هم می‌گیرم. من اصلاً آدم ارزانی نیستم. پروژه من و خودم باید پول خوب داشته باشد و از لحظه‌ای که قرارداد می‌بندم و کار شروع می‌شود، به پول فکر نمی‌کنم و فقط کارم را انجام می‌دهم. اینکه می‌گویم همیشه برنامه ما هزینه‌بردارتر از برآورد بوده، به این دلیل است که مثلاً در استندآپ‌کمدی‌ها یا برای حجم انبوهی از تماشاگران استودیو که هزینه‌هایی را به پروژه اضافه کرد، هیچ‌گونه محاسبه مالی نداشتیم. اما همان‌طورکه گفتم، وقتی کار شروع می‌شود، به این چیزها فکر نمی‌کنم چراکه عملاً نمی‌توان به کار اصلی رسید. حالا اینکه چقدر اعتبار نزد همکارانم دارم و کاری را به کمک آنها انجام می‌دهم، چیزی است که متعلق به من و آنهاست. ولی واقعیت این است که هر چیزی در برنامه اتفاق می‌افتد، هزینه‌بردار است.

✎ از هزینه‌ها و دریافتی‌های برنامه نگذریم؛ «خندوانه» از جمله برنامه‌هایی است که موضوع اسپانسر در آن، بحث و نظرات زیادی به راه انداخته است. از میزان مبلغی که از اسپانسرها گرفته می‌شود تا حجم بالای صحبت درباره اسپانسر در برنامه که بسیاری از مخاطبان به آن نقد دارند.

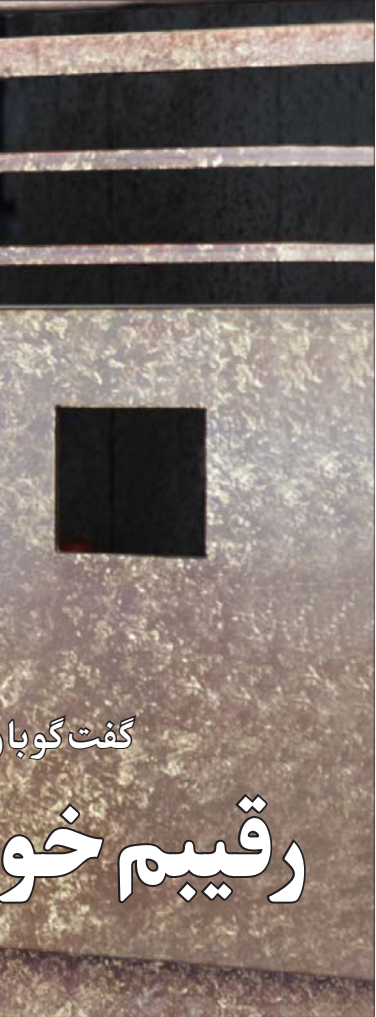
شما من را به عنوان یک آدم حرفه‌ای که متر و معیار کارم را می‌شناسم، قبول دارید؟

✎ بله.
وقتی من می‌پذیرم که از اسپانسر در برنامه صحبت کنم، دلایل زیادی برای کارم دارم و قطعاً بی‌سلیقگی و بی‌فکری در آن نیست. موضوع این است که تلویزیون و سازمان صداوسما از اسپانسرهای برنامه، ۷۸۰ کی دیگر نسبت به ایراسل که میهمان هست، مبلغی دریافت می‌کنند و می‌دانید که به

سازنده برآوردش را از تلویزیون می‌گیرد. اینکه هزینه‌های برنامه را تلویزیون از اسپانسر بگیرد یا طور دیگری تأمین کند، بستگی به خودش دارد. از آنجایی که «خندوانه» برنامه پربیننده و محبوبی است، طبعاً برنامه ارزانی هم برای تلویزیون و اسپانسر نیست. اما مشکل از جایی شروع می‌شود که سازنده برنامه که قرار است بابت حضور اسپانسر در برنامه فکر کند و ایده بدهد، با او در

ارتباط نیست. فکر می‌کنم درست‌ترین شکل ممکن هم این است که اسپانسر با سازنده بابت نوع تبلیغ و اندازه آن هم‌فکری کند و بر این اساس قیمت‌گذاری کنند و بعد از آن با تلویزیون قرارداد ببندد. اما در تلویزیون ما جریان به گونه دیگری است. اسپانسر با تلویزیون صحبت می‌کند و بعد به سازنده ابلاغ می‌شود که اسپانسر مبلغی داده و بر اساس مبلغ داده‌شده باید فضا به اسپانسر تعلق بگیرد. اتفاقی که در «خندوانه» افتاد این بود که ما را وادار کردند عجله کنیم و ما با دست خالی رقیتم روی آنتن، آماده نبودیم و متوجه ضعف‌های آن هم نبودیم. برنامه اوج گرفت اما آرام‌آرام شروع کرد به پایین آمدن. در این شرایط توقع اسپانسر هم برآورده نشده بود. من در بررسی‌هایی که کردم، متوجه شدم آیتم‌هایی که به مردم بابت ایراسل نشان می‌دهیم، خیلی‌ها متوجه نمی‌شوند. اینها را بیشتر از تماشاچی در استودیو متوجه شدم که بعد از صحبت‌های من درباره اسپانسر و نحوه استفاده از خدمات متوجه نمی‌شدند من چه گفتم. درنهایت به این نتیجه رسیدیم که درک‌نکردن درست مخاطب از موضوعات اسپانسر باعث می‌شود بازخورد خوبی برای اسپانسر نداشته باشد و اسپانسر فکر کند این نوع تبلیغ کارایی ندارد. در این شرایط اسپانسر داشت عقب‌نشینی می‌کرد. برای اینکه عقب‌نشینی نکند و من بتوانم برنامه را نگه دارم، به تلویزیون گفتم بروید

عقب. اجازه بدهید من بررسی کنم و انجاشم دهم. تیم «خندوانه» با گروه اسپانسر جلسات زیادی گذاشت و به یک فرمول رسیدیم؛ اینکه من مثل کلاس باید به مردم درس بدهم و با این شیوه کم‌کم متوجه تغییرات شدید



گفت‌گو با رامید جوان

رقیم خودم هستم



بهناز شیربانی

مدت‌هاست که رامید جوان بیشترین وقتش را به ساخت «خندوانه» اختصاص داده است. اتفاقی که از ابتدا برای جوان تعریف دیگری داشت و همین باعث شد فعالیت‌های دیگرش در سینما محدودتر شود و «خندوانه» با نام او گره بخورد. اما افت کیفی برنامه در مقطعی باعث شد نقدهایی به ادامه برنامه وجود داشته باشد. اما این روزها سازوکار دیگری برای ادامه این مسیر اتخاذ شده است. با رامید جوان از اتفاقاتی که در ماه‌های گذشته در «خندوانه» رخ داد، صحبت کردیم:

✎ مدتی است «خندوانه» زیر ذره‌بین بسیاری از کارشناسان رسانه و مخاطبانی است که کیفیت این برنامه را رصد می‌کنند و البته انتقادهایی به عملکرد اخیر برنامه دارند. تا چه حد از نظر شما این نقدها منصفانه است؟

حتماً منصفانه است. البته بخشی از این نظرها که از سر غرض‌ورزی است، برای من اهمیتی ندارد و سعی می‌کنم آنها را نادیده بگیرم. اما نظرات مردم واقعی‌تر است؛ لزوماً می‌تواند کارشناسی هم نباشد اما به نظر من واقعی‌تر است.

✎ اختصاصاً کدام بخش از نقدهای مردم در این مدت توجه شما را جلب کرده است؟

یکی از این نقدها بزرگ‌بودن دکور است که همه معتقدیم با این دکور، صمیمت سابق وجود ندارد. در دکور پیشین این مزیت بود که تماشاچی به من و موقعیت‌های دوربین نزدیک‌تر بود و همین مسئله کمک می‌کرد که آنها جزئی از برنامه باشند. الان جمعیت جزئی از برنامه است نه افراد. این بزرگی دکور من را هم خسته کرده است. به عنوان مثال مدت زمانی که برای راه‌رفتن در استودیو طی می‌کنم، زیاد است و طبعاً خسته می‌شوم و بی‌جهت زمان زیادی هم تلف می‌شود و تسلطی بر تماشاچییانی که در ردیف‌های بالا نشسته‌اند، ندارم.

✎ اصلاً چه شد که مکان برنامه را تغییر دادید؟

تقصیر من بود. می‌خواستم جای بزرگ‌تری داشته باشیم. استودیو قبلی کوچک بود و نیاز داشتم در جایی کار کنم که جای مانور بیشتری داشته باشد. در دکور قبل مشکلاتی از قبیل جای دوربین‌ها و مواردی از این دست داشتیم و الان در این دکور، زیادی بزرگ‌بودن درس‌ساز شده و نیاز است تا حد وسطی به دست آید. در نهایت تصمیم‌گیری غلط درباره اندازه استودیو، چیزهایی را به هم ریخت که در روند برنامه تأثیر داشت. علاوه بر اینکه فصل جدید خیلی زودتر از چیزی که ممکن بود آغاز شد، متأسفانه از جانب تلویزیون موظف شدیم که زود شروع کنیم و برنامه ما ۲۰ اسفند آغاز شد؛ در صورتی که از نظر ما تابستان برای شروع فصل جدید ایده‌آل بود. این زودتر شروع‌کردن ما باعث شد آمادگی لازم را برای طراحی‌هایی که از قبل در نظر گرفته شده بود، نداشته باشیم. پس به‌ناچار، آیتم «لباهنگ» را شروع کردیم تا موقتاً عید را بگذرانیم. بگذریم که بابت همین مسابقه چقدر به تلویزیون جواب پس دادیم؛ اینکه چرا میزان موسیقی در برنامه زیاد است و ایراداتی از این دست.

✎ دلیل این عجله از جانب تلویزیون چه بود؟

تلویزیون برنامه ندارد و ساخت برنامه «خندوانه» اصلاً کار آسانی نیست. هر شب اجرای برنامه و تفاوت هر شب با شب قبل، کار را سخت‌تر می‌کند و قطعاً به دلیل حفظ احترام به رئیس شبکه، کار را شروع کردیم.

✎ آقای جوان برخی از کارشناسان تلویزیون معتقدند دلیل افت کیفی برنامه‌هایی از جنس «خندوانه» که ایده‌محور است و نیاز است تا مدام به‌روز باشد، این است که اگر در مدت پخش برنامه تغییراتی در آن حاصل شود، تلویزیون این تغییرات را به‌راحتی نپذیرد و شاید برای سازندگان برنامه ریسک محسوب شود؛ پس راه کم‌خطرتر این است که مطابق سلایق تلویزیون پیش رفت.

«خندوانه» خودش را نشان داده است و اصلاً فضای متنوعی می‌تواند در آن ایجاد شود. علاوه بر اینکه مدیر شبکه، آقای دکتر کرمی، این اختیار عمل را به ما می‌دهد که تنوع موضوعی و مضمونی را در برنامه داشته باشیم.